هو الابهی - ٢٧- ای شمع روشن محفل احبّاء اللّه آثار…

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



# ٢٧

### **هو الابهی**

٢٧- ای شمع روشن محفل احبّاء اللّه آثار قلميّه آن ورقاء حديقه عرفان مورث روح و ريحان گرديد. حمد جمال قدم روحی لاحبّائه فدا را که به موهبت کبری احبّای مخلصين را بر خدمت امرش موفّق فرموده. ای حمامه رياض عنايت وقت تغنّی و ترنّی و نغماتست و هنگام اشعال نار محبّت اللّه. اگر در اين قرن اعظم که چون آفتاب بين قرون سائره ساطع و روشن است انسان خاموش و مدهوش ماند در چه قرنی ناطق و متکلّم و مبيّن گردد و اگر نفسی در اين بهار الهی از نسائم قدس مهتزّ نگردد و از فيض سحاب رحمت رحمانی چون گل صدبرگ خندان نشکفد و از اشعّه ساطعه شمس حقيقت روشن و منوّر نگردد در چه عهد و موسمی به حرکت آيد و در چه ايّامی از افق عالم چون ستاره صبحگاهی بدرخشد. حکمت مذکوره در الواح مقصود آنست که و ائتوا البيوت من ابوابها و لا تأتوا البيوت من ظهورها. بايد چون شمع در زجاجه حکمت برافروخت نه آنکه خاموش و مخمود ماند.

آن دو نفر از احبّاء اللّه که اذن زيارت روضه مطهّره خواسته‌اند مأذونند با ولدشان. ديگر جميع احبّای آن ارض را از قبل اين عبد تکبير ابدع ابهی ابلاغ فرمائيد. جواب مکاتيب تعويق افتاد، اين از جهت ضعف شديد و علل جسمانی بود حال رفع شده است. ع ع